

واژه‌های دارویی و درون‌مایه‌های پزشکی در آثار عطار

یدالله بهمنی مطلق*

محمدرضا تونی**

چکیده

عطار نیشابوری از شخصیت‌های معروف شعر، عرفان و تصوف در قرن ششم و آغاز قرن هفتم هجری است که با توجه به مستندات تاریخی، ادبی و پژوهشی به داروفروشی، داروسازی و طبابت هم اشتغال و اشتها داشته است. طبابت در روزگاران پیشین بیش‌تر بر دو پایه گیاه‌درمانی و روان‌درمانی استوار بود، که نشانه‌های هر دو مورد در آثار عطار آشکار است. بنابه آثار موجود و نوشته‌های عطارشناسان، پدر عطار نیز به شغل عطاری مشغول بود و عطار این شغل را از پدر به ارث برده است. با توجه به وجود مفردات و گزاره‌های پزشکی در آثار منظوم و مثنوی وی، می‌توان استنباط کرد که این شاعر به داروفروشی و پزشکی به سبک روزگار خویش اشتغال داشت. در این مقاله سعی شده است با توجه به مفردات گیاهی، گزاره‌های پزشکی و گیاهان دارویی به کار رفته در آثار مکتوب و مسلم عطار، جایگاه عطاری و طبابت او بررسی و نشان داده شود که عطار به چه میزان و برای چه مقاصدی از مضامین، ترکیبات و اصطلاحات طبی و مفردات گیاهی سود جسته و تأثیر شغل عطاری در بیان این موضوعات چه قدر بوده است.

کلیدواژه‌ها: عطار، گیاهان دارویی، داروهای گیاهی، گزاره‌های پزشکی.

۱. مقدمه

بی‌شک بشر غذای خود را با خوردن گیاهان شروع کرده است؛ چراکه گیاهان قبل از

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی y_bahmani43m@yahoo.com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲

جانوران بر روی کره‌خاکی به‌وجود آمده‌اند. گیاهان و میوه‌ها با انواع و اقسام متفاوت و با تنوع رنگ و بو و طعم و مزه زنجیره‌اولیه تغذیه بشر بوده است؛ همچنین، قبل از صنعتی شدن جامعه بشری و کشف انواع و اقسام داروهای شیمیایی، بیماری‌های بشری هم با همین گیاهان درمان می‌شده است.

گیاهان دارویی ضمن تسکین و درمان آلام بشری، ضرر و زیان کم‌تری نسبت به داروهای شیمیایی دارند؛ و این موضوعی است که دانش پزشکی امروز هم بر آن صحه گذاشته است. با توجه به تاریخچه علم گیاه‌درمانی و داروهای گیاهی، در آموزه‌های اندیشمندان بزرگی چون بودا، زرتشت، سقراط، افلاطون، ارسطو، ابوعلی سینا و عطار نیشابوری درباره خوردن گیاهان و گیاه‌درمانی سفارش بسیار شده است. ناگفته نماند که در بسیاری از آیین‌ها، مانند برهمنی و بودایی، کشتن حیوانات و خوردن گوشت آن‌ها منع شده که خود نوعی توصیه و تشویق به گیاه‌خواری و تأکید بر آن است. امام علی (ع) درباره استفاده نکردن از گوشت و کشتار حیوانات می‌فرماید: «لاتجعلوا بطونکم مقابرالحیوانات» (هدایت، ۱۳۸۴: ۴۹).

در منابع ایران پیش از اسلام، نام بسیاری از گل‌ها و مواد معطر که در ساختن انواع عطرها نیز به‌کار می‌رفته، آمده است. نام برخی از این مواد را در رساله مربوط به گفت‌وگوی ریذک و خسرو دوم ساسانی نیز می‌توان یافت (انصاری، ۱۳۸۱: ۱۸۱).

در تاریخ عطر در ایران، سابقه عطر و گیاهان دارویی در ایران قبل از اسلام و پس از آن به تفصیل آمده است. اوج طب سنتی ما را باید در دوران ابن سینا دانست و به همین خاطر، طب سنتی ما را طب ابن‌سینایی می‌نامند (قاسمی برومند و دیگران، ۱۳۸۷: ۲).

عطار نیشابوری از جمله پزشکان ایرانی است که با شناخت خاصیت درمانی گیاهان و فواید آن، به این شیوه درمانی روی آورد و سالیان متمادی عمرش را در راه سلامت و بهبود بیماران صرف کرد. شیوه درمانی بزرگانی چون عطار، مقدماتی داشته که مهم‌ترین آن‌ها شناخت طبایع بیمار بود. اطباء قدیم معتقد بودند پس از آن‌که غذا در معده هضم شد، به کبد می‌رود و به چهار نوع تقسیم می‌شود: صفرا، خون، بلغم، سودا. طبیعت صفرا سرد و خشک، طبیعت خون گرم و خشک، طبیعت سودا سرد و تر، و طبیعت بلغم گرم و تر است. در طب قدیم، پس از معاینه بیمار و شناخت طبایع، بیمار را با «گیاه‌درمانی» مداوا می‌کردند. شناخت خواص هر یک از گیاهان، دانش دامنه‌دار و عمیقی است که فقط اهل فن به آن آگاهی داشته‌اند و هر کسی توان پرداختن به این امر مهم را نداشته است.

گیاه‌درمانی پدیده‌ای است که علم پزشکی دیر یا زود باید به آن برگردد؛ چراکه داروهای شیمیایی به میزان کارایی خود، موجب از بین رفتن بافت‌های دیگر بدن می‌شوند. باید به هنر و همت بزرگانی چون بوعلی، عطار نیشابوری و ... درود فرستاد که با گیاهان طبیعی بیماری‌ها را درمان می‌کردند یا بخشی از فعالیت‌های خود را به روان‌درمانی اختصاص می‌دادند که علم امروز هم آن را تأیید و تصدیق کرده است. امید است علم پزشکی در رویکرد گیاه‌درمانی خود، زحمات پیش‌قراولان این رشته چون عطار را ارج نهد و قدر بداند.

۲. پیشه عطاری عطار

از لابه‌لای سروده‌های عطار می‌توان دریافت که شغل او عطاری بوده و ظاهراً از پدر به او رسیده است. پژوهندگان هم تاکنون به شغلی غیر از عطاری برای او اشاره نکرده‌اند. رینولد نیکلسون، یکی از کسانی که درصدد اثبات شغل عطاری او بود، در مقدمه تذکره‌الاولیا می‌نویسد:

اولاً از کلماتش به‌طور یقین برداشت می‌شود که شیخ عطار به فن طب مشغول بوده و داروخانه بسیار معتبری که ظاهراً مطب نیز بوده، داشته است و گاه تا پانصد مریض در داروخانه وی حاضر می‌شده‌اند و شیخ به درمان آن‌ها می‌پرداخته و در همان حال به نوشتن کتب و نظم اشعار و زهد و سلوک اشتغال داشته است. ظاهراً وجه تلقب او به عطار هم همین بوده است؛ یعنی به علت این‌که داروخانه بزرگ داشته و دوا می‌ساخته و بیماران را درمان می‌کرده است و گویا در آن زمان مانند امروز در ایران «عطار» به کسی می‌گفته‌اند که همه نوع دارو را بفروشد یا بسازد و شغل عطاری در سابق مانند «فارماسی» کنونی در اروپا با طب همراه بوده است و ظاهراً داروسازهای معتبر طب می‌دانسته‌اند و به درمان بیماری‌ها می‌پرداخته‌اند (عطار، ۱۳۸۸: ۹).

نیکلسون در اثبات اشتغال عطاری شاعر، ابیات ذیل را از خسرونامه شاهد و مثال می‌آورد:

به من گفت ای به معنی عالم افروز چنین مشغول طب گشتی شب و روز
طب از بهر تن هر ناتوان است ولیکن شعر و حکمت، قوت جان است

و نیز:

مصیبت‌نامه کاندوه جهان است الهی‌نامه کاسرار عیان است
به داروخانه کردم هر دو آغاز چه گویم زود رستم زین و آن باز

به داروخانه پانصد شخص بودند که در هر روز نبضم می‌نمودند
میان آن همه گفت و شنیدم سخن را به از این رویی ندیدم

(عطار نیشابوری، ۱۳۳۹: ۹)

از بیت دوم مشخص می‌شود که محل کار و سرایش عطار داروخانه است. از مصراع دوم بیت دوم، دو برداشت می‌توان کرد: «این» و «آن» می‌تواند زمان سرایش هم‌زمان دو اثر باشد؛ یعنی، به محض فراغت از موضوعات مربوط به مصیبت‌نامه به الهی‌نامه مشغول می‌شد یا به محض فراغت از طبابت، به شعر رو می‌آورد. عطار در اسرارنامه هم به این اشتغال خود اشاره مفصل دارد:

... به شهر ما بخیلی گشت بیمار که نقدش بود پنجه بدره دینار
ز من آزادمردی کرد درخواست که او را کرد باید شربتی راست
مرآنزد بخیل آورد آن مرد یکی صدساله‌ای دیدم در آن درد
ز بیماری درد از خفته چو مدهوشی به بستر باز خفته
گلابی یافتم یک شیشه در بر به گل بگرفته محکم شیشه را سر
یکی را گفتم آن گل درفکن زود گلاب از شیشه بر بیمار زن زود ...

(عطار نیشابوری، ۱۳۸۶ الف: ۲۱۴ و ۲۱۵)

این‌که عطار طبابت را از چه کسی و چه وقت آموخته است؟ اطلاع چندانی در دست نیست. ذبیح‌الله صفا در این باره می‌نویسد:

از ابتدای کار او اطلاعی در دست نیست جز آن‌که نوشته‌اند پدر وی در شادیاخ (جانب راست نیشابور) عطاری عظیم‌القدر بود و بعد از وفات او فریدالدین کار پدر را دنبال کرد و دکانی آراسته داشت (۱۳۷۲: ۲/۸۵۹).

در روزگار عطار، شیوه درمان بیماران از طریق «روان‌درمانی» و «گیاه‌درمانی» بود. معمولاً کسانی که به گیاه‌درمانی مشغول بودند، داروها را می‌ساختند و پس از معاینه بیمار و شناخت طبایع او دارو را تجویز می‌کردند.

باید دانست که مراد از عطاری در این‌جا دکان داروفروشی بوده است. معلوم نیست از کی عطار که عادتاً باید بر شخص عطف‌فروش اطلاق گردد، به این معنی در زبان فارسی اطلاق شده، لیکن گویا در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم، چنین معنایی را در عرف فارسی‌زبانان داشته است. مسلماً عطار در آغاز حیات و گویا تا مدتی از دوره تحقیق در

مقامات عرفانی، شغل داروفروشی خود را که لازمه آن داشتن اطلاعاتی از طب نیز بود، حفظ کرده و در داروخانه سرگرم طبابت بوده است (همان).

صفا از قول رضاقلی خان هدایت می‌نویسد:

در طب شاگرد مجدالدین بغدادی، حکیم خاصه سلطان محمد خوارزم‌شاه، بود ... (همان).

عطار علاوه بر مثنوی، در غزلیات نیز به‌نوعی به حرفه عطاری و مداوای بیماران و رنج و زحمت آن اشاره می‌کند:

بر شکرخنده گل درد دل کس نگذاشت دم عطار کزو بسوی دوا می‌آید

(۱۳۷۴: ۲۹۰)

و گاه می‌خواهد از این زحمت رهایی یابد، چراکه آن را بند و مانعی می‌بیند که او را از سلوک راه حقیقت بازداشته است:

از زحمت عطارم، بندیست قوی در ره کو کس که کند فارغ از زحمت عطارم؟

(همان: ۴۳۵)

و باز در بیتی دیگر از غزلیات «خود و انانیتش» را مانع سیر و سلوک می‌داند:

مانع خود هم منم در راه خویش تا کی از عطار و عطاری مرا؟

(همان: ۴)

مراد عطار گله و شکایت از تعلقات و دلبستگی‌های نفسانی و دنیایی است که عطار و عطاری را نیز می‌توان نمود دیگری از همان خود و نفس دانست. اما در غزلی، با به‌کارگیری شبکه تناسبات گسترده درباره اعضای بدن و بیماری‌ها، دردهایش را از هجران و دور روزگار می‌داند نه از اعضا و جوارح و جسم و جان. شبکه تناسبات موجود در این غزل خون، رگ، چشم، زردی چهره، لاغری، کم‌وزنی و ... است. شاعر در بیت پایانی نیز، به علم عطاری و طبابت خود اشاره می‌کند:

از رگ جان هر شبی در هجر تو	سوی چشم خون‌فشان، خون می‌کشم
گرچه چون کاهی شدم از دست هجر	بار غم از کوه افزون می‌کشم
دور از روی تو هر دم بی تو من	محنت و رنج دگرگون می‌کشم
آن همه خود هیچ بود و درگذشت	درد و غم این است که اکنون می‌کشم

من که عطارم، یقین می‌باشدم کاین بلا از دور گردون می‌کشم

(همان: ۴۴۶)

در گذشته، منظور از عطاری مجموعه فعالیت‌های مربوط به طب اعم از داروسازی، داروفروشی و درمان بوده است و با دلایل ذیل می‌توان اعلام کرد که عطار در تمامی این زمینه‌ها اشتغال داشته است:

دلیل نخست، واژه «عطار» است که بلافاصله پس از نام فریدالدین در منابع متعدد آمده است. حتی امروزه هم این شهرت، در نزد مخاطبان، آشناتر از نام و لقبش است. در گذشته، نام، لقب، کنیه، و شهرت بسیاری از افراد براساس شغل و حرفه آنها یا نیاکانشان انتخاب می‌شد؛ مانند «خیام» که می‌گویند پدر او «خیمه‌دوز» بوده است، یا غزالی و ...

دلیل دوم، اشاره‌های صریح عطار در غزلیات و مثنوی‌هایش به شغل عطاری و گرفتن نبض بیماران و کار در داروخانه است.

دلیل سوم، که می‌توان به استناد آن به عطاری به معنای طبابت و پزشکی عطار پی‌برد، وجود کثرت مفردات پزشکی اعم از نام بیماری‌ها، داروها و گیاهان دارویی است. بسامد بالای این واژگان در دیوان و مثنوی‌های او بیان‌گر یکی از دغدغه‌های اصلی اوست؛ زیرا بدون وجود هیچ دلبستگی و علاقه‌ای امکان نمود این همه اصطلاح و واژه تخصصی بعید به‌نظر می‌رسد.

دلیل چهارم، که بر موضوع مورد نظر دلالت دارد، وجود گزاره‌های پزشکی فراوان در آثار او اعم از نظم و نثر است؛ چه در تذکرة‌الاولیا که به ذکر احوال و مراتب مشایخ اختصاص دارد و چه در مثنوی‌ها که همگی به‌نوعی آموزش عرفان و تصوف اسلامی‌اند.

در ادامه، با توجه به گزاره‌های پزشکی، بیماری‌ها و امراض، واژگان بیمارستانی-پزشکی، گیاهان دارویی و داروهای گیاهی به‌کاررفته در آثار عطار، جلوه‌های پزشکی در آنها بررسی و تحلیل می‌شود.

۳. گزاره‌های پزشکی

منظور از گزاره‌های پزشکی آن دسته از عبارات، اشارات، و گزاره‌هایی است که به‌نوعی به درمان دردها و امراض یا نوعی بیماری و دلایل آن ارتباط دارد و عطار در مجموعه آثارش به تعریض و کنایه یا به‌صراحت به آنها اشاره کرده است.

یکی از پررنگ‌ترین زمینه‌های پزشکی در آثار عطار وجود گزاره‌هایی است که تراوش آن‌ها تنها از ذهنی امکان‌پذیر است که با اشکال گوناگون درمانی اعم از «بالینی» و «روانی» سروکار داشته است و ناخودآگاه برای ساخت دارو و درمان بیماران در جای‌جای آثار خود از آن‌ها استفاده کرده است. گزاره‌های پزشکی - درمانی مورد اشاره عطار، در زمینه‌های متفاوت درمانی مانند «روان‌درمانی»، «گیاه‌درمانی»، «دعادرمانی»، «چشم‌پزشکی»، «عطردرمانی» و ... است که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد: الف) بالینی، ب) روان‌درمانی، و ج) روان‌بالینی.

۱.۳ گزاره‌های بالینی

پاشیدن آب به صورت بیماران غشی و صرعی: آب به منزله یک نیروی شوک‌آور می‌تواند نقاط حسی صورت را تحریک کند و بیمار غشی را به هوش آورد. عطار در بیت ذیل به‌طور غیرمستقیم از این شیوه درمانی سخن گفته است:

چون ببرد آن ماه را در غشی خواب شیخ بر رویش فشاند از دیده آب

(۱۳۷۲: ۸۷)

استفاده از سرمه برای تقویت بینایی و درمان چشم: از گذشته‌های دور، از سرمه به‌منزله یکی از اقلام هفت‌گانه آرایشی و نیز ماده‌ای مفید برای بینایی و درمان چشم استفاده می‌شده است، چنان‌که به چشم‌پزشک نیز «کحّال» گفته می‌شد که صورت عربی این واژه است.

کسی زان سرمه، گر میلی کشیدی ز ماهی تا به ساق عرش دیدی
کشید آن سرمه و چشمش چنان شد که عرش و فرش در حالش عیان شد

(همان، ۱۳۸۷: ۲۸۳)

سرمه، که گاه با توتیا مترادف شده، گرد نرم‌شده سولفور آهن یا نقره است که در قدیم برای سیاه‌کردن پلک‌ها و مژه‌ها به‌کار می‌رفت.

در مذمت پرخوری: پرخوری، به‌منزله یکی از عوامل شناخته‌شده امراض متفاوت، از تأکیدات عطار نیشابوری است که در نظم و نثر او منعکس شده است:

طعام افزون مخور ناگاه و ناساز که آن افزون ترا، بی‌شک خورد باز

(همان، ۱۳۸۶: ۲۲۵)

چنین تو پشت‌گرم از آب و نانی شکم پر کرده‌ای در پهلوانی
نه‌ای بی‌مبرز و بی‌مطبخ ای مرد دلت نگرفت از این دو دوزخ ای مرد؟

(همان، ۱۳۸۷: ۲۰۵)

در تذکرة‌الاولیا، پرخوری مانع حکمت‌اندوزی است؛ زیرا مغز به‌جای دریافت حکمت و دانش مشغول آن می‌شود: «حکمت در معده‌ای قرار نگیرد که از طعام پر آید» (همان، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

عسل درمانی و غلبه بر سردمزاجی: عسل به‌خاطر طبع گرم و خشک، باعث گرمی و خشکی طبع می‌شود و مخصوصاً برای مزاج صفراوی بسیار مضر است. عطار، در بیت ذیل، با آوردن ترکیب «آتش بسیار افتادن»، بر نهایت خشکی و گرمی عسل اشاره دارد:

از بس که عسل بخوردم از بی‌خبری در من افتاد آتش و بسیار افتاد

(۱۳۸۶ ب: ۳۳۵)

حمام درمانی: در حمام درمانی، دو عامل می‌تواند سبب رفع و دفع بیماری شود: یکی، ماساژ که باعث انبساط ماهیچه‌ها و عروق می‌شود و دیگر دفع سموم بدن از طریق پوست:

حکیمش گفت یک حمام خواهم درو یک‌ساعتی آرام خواهم

(همان: ۲۷۵)

از دیگر گزاره‌های بالینی مورد اشاره در آثار عطار می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

— آمیختگی خون با بول (همان، ۱۳۸۷: ۱۸۰)؛

— پاره‌پاره آمدن بول از مثانه که نشان ابتلا به سنگ کلیه است (همان)؛

— کسب اعتدال مزاج با مصرف یخ برای گرم‌مزاجان (همان: ۲۷۵)؛

— فصدکردن (همان: ۳۸۵)؛

— دشواری درد زایمان و مشرف به مرگ بودن زائو هنگام زایمان (همان: ۳۲۳)؛

— معاینه سنجش کری و لالی (همان: ۱۶۶)؛

— شیوه‌های ریزش و رویش مو (همان: ۳۸۸).

۲.۳ گزاره‌های روان‌درمانی

یکی از عمده‌ترین شیوه‌های درمانی در روزگاران گذشته، روان‌درمانی بود؛ که متأسفانه تا

سال‌های سال به‌عنوان یک علم مطرح نبود. امروزه علم روان‌شناسی جایگاه واقعی خود را به‌خوبی پیدا کرده است و با گرایش‌های متفاوت در خدمت بیماران قرار گرفته است. عطار در کنار دارودرمانی، که در گیاه‌درمانی ریشه داشت، به روان‌درمانی هم می‌پرداخت و نمودهایی از این نوع درمان را در جای‌جای آثار خود منعکس کرد:

درمان‌بخشی رایحه وصال دوست: از نظر عطار، امیدواری به وصال، باعث ایجاد انگیزه در فرد بیمار می‌شود و مقاومت او را در مقابل بیماری افزایش می‌دهد:

یا به بویی زنده گردان جان من یا بساز از دارویی درمان من

(همان، ۱۳۸۶: ۳۰۶)

خنده‌درمانی: خنده از توصیه‌های عطار برای درمان بیماران است؛ چنان‌که از قدیم ضرب‌المثل شده که «خنده بر هر درد بی‌درمان دواست». طبیب با استفاده از این روش درمانی، حداقل نیمی از مسیر درمان بیمار را می‌پیموده است. البته در پزشکی، خندیدن و خنداندن هر دو تأثیرگذار دانسته شده است:

گر بخندی عاشق بیمار را وقت بیماری شکر باری بود

(همان، ۱۳۷۴: ۲۱۸)

عشق‌درمانی: عشق و محبت باعث ترشح هورمون‌هایی می‌شود که نوعی انگیزه و امیدواری در شخص ایجاد می‌کند و مقاومت شخص را در برابر بیماری افزایش می‌دهد. عطار نیشابوری با درایت درمان‌گرانه خود، به توان مهر و محبت در رفع و دفع بیماری و ناامیدی اشاره دارد:

داروی درد دل من مهر تست نور جانم آفتاب چهر تست

(همان، ۱۳۷۲: ۲۲)

موارد دیگر:

— بیناساختن چشم با دیدن سبزه (همان، ۱۳۷۳: ۳۰۶)،

— نیایش با خدا و ... (همان: ۳۰۲؛ ۱۳۸۶ ب: ۲۹۰)

۳.۳ گزاره‌های روانی – بالینی

سومین شیوه درمانی ارائه‌شده در آثار عطار، شیوه روانی – بالینی یا بالین روانی است؛

شیوه‌ای که از امتزاج دو شیوه منفک ذکرشده روانی یا بالینی حاصل می‌شود. این شیوه به‌کرات در آثار عطار در درمان بیماری‌های متعدد ذکر شده است:

سپندسوختن: نقش روان‌درمانی سپندسوختن به تلقین و باور مردم از گذشته‌های دور و نقش درمانی آن به اثرات اثبات‌شده‌ای چون خواب‌آوری، رفع بلغم و نرم‌کردن سینه و ریه و ... برمی‌گردد. براساس پژوهش به‌عمل‌آمده، عطار در چندین مورد به این شیوه درمانی اشاره دارد:

سجده تو را کرد آنک خیل ملایک به جمع چشم بدان را بسوز بر سر مجمر سپند
(۱۳۷۴: ۳۳)

همه شب اختران عالم افروز سپند چشم بد سوزند تا روز
(همان: ۷۹)

ایجاد خنده با خوردن زعفران

زعفران گیاهی نشاط‌آور و مفرح است و مصرف آن باعث شادابی و تسکین مغز و اعصاب می‌شود (خسروی، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

عطار در چندین جا از آثارش به جنبه شادی‌بخشی این ماده گیاهی اشاره دارد:

گل می‌خندد که زعفران خورد بسی شک نیست در آن‌که زعفران دارد گل
(۱۳۸۶ ب: ۳۰۷)

پالایش مغز با گریه: ریزش اشک به‌نوعی باعث «بلغم‌زدایی» سر می‌شود و تخلیه آب اضافی بدن در ناحیه سر را ممکن می‌سازد. این عمل از نظر روانی هم آرامش‌بخش است، چراکه موجب تخلیه آب برآمده از اندوه می‌شود:

چو یعقوب و چو یوسف آن دو دلدار به یک‌دیگر رسیدند آخر کار
پدر گفتش که ای چشم و چراغم چو از گریه پیالودی دماغم
(همان، ۱۳۸۷: ۱۵۷)

از نمونه‌های دیگر در بُعد روانی - بالینی در آثار عطار می‌توان به سحرخیزی، و مشک و عنبر در هوا افشاندن اشاره کرد.

حاصل سخن این‌که عطار، ضمن درمان بیماران روزگار خویش که اکنون از آن‌ها اثری نیست، حاصل تجربیات علمی و عملی درمانی خود را در شاخه‌های متفاوت درمانی در

آثار منظوم و متورش برای نسل‌های بعد به‌یادگار گذاشته است. ممکن است همه نکاتی که در این‌جا تحت عنوان «گزاره‌های پزشکی» از مجموعه آثار عطار استخراج شد، حاصل دستاوردهای تجربی و عملی شخص خودش نباشد و او این آموزه را با تحقیق و تفحص و با مطالعات شبانه‌روزی یا افواهی از تجربیات گذشتگان درک و دریافت کرده باشد؛ اما آنچه بسیار ارزش‌مند است و حداقل خدمت عطار به دنیای پزشکی تلقی می‌شود، ثبت این آموزه‌ها و انتقال آن‌ها به نسل‌های بعد و جلوگیری از فراموشی آن‌هاست.

تجربیات درمانی عطار و اشراف او بر انواع بیماری و درمان آن‌ها فقط مخصوص آدمیان نیست، بلکه عطار درباره ساختار بدن جانوران هم اطلاعات دقیقی دارد که از جمله آن‌ها، اشاره به شنوایی خرگوش، بینایی گنجشک و بویایی موش است. نمونه‌های ذیل، بیان‌گر آشنایی او در این زمینه است:

ز شنوایی خود چندی به مخروش که بانگی بشنود ده میل خرگوش

(همان، ۱۳۸۶ الف: ۱۰۶)

ز بینایی میدان این فرّ و فرهنگ که گنجشکی ببیند بیست فرسنگ

(همان)

ز بویایی ناقص نیز کم گوی که از یک میل موشی بشنود بوی

(همان)

۴. بیماری‌ها و امراض

بیماری، حاصل کم‌کاری، پرکاری یا اختلال در کارکرد یکی از اعضا و جوارح مانند غدد، عروق، و ... است که حیات و حرکت عادی و طبیعی فرد را مختل می‌کند. هریک از این امراض و بیماری‌ها، با توجه به شدت و ضعف خود، علائم و نشانه‌ها و عوارضی دارند. با مشاهده نشانه‌ها اگر شخص به درمان آن اقدام نکند، عوارض خود را نشان می‌دهند، که ممکن است این عوارض، تبعات کوتاه‌مدت یا بلندمدت داشته باشند.

عطار نیشابوری با توجه به حرفه خود، در آثار گوناگونش مخصوصاً در دو اثر مصیبت‌نامه و اسرارنامه، که حاصل کار هم‌زمان او در داروخانه است، به بسیاری از این امراض و بیماری‌ها اشاره کرده است. در اشاره‌های عطار، گاه خود بیماری مورد نظر است و گاه آن اصطلاح طبّی را جهت دریافت معنی دیگری مانند ساختن پایه تشبیه یا غرض

بلاغی دیگری به کار گرفته است. در هر دو صورت می‌توان دریافت که پرداختن به علم طب، کاوش در بیماری‌ها و گیاهان دارویی، و درمان بیماران، از دغدغه‌های اصلی عطار بوده است. در بخش بیماری‌ها و امراض، این موارد از مجموعه آثار مسلّم او استخراج شده است: آبله، استسقا، برص، بیماری چشم، تب، تنگی نفس، حرقت بول، خوره، درد دندان، رشته، زحیر، سبل، سردرد، سودایی، شکم‌درد، صرع، غش، قولنج، قی کردن، کری و لالی، گلی، مبطون، یرقان، یبوست، و ...

موارد فوق را می‌توان با توجه به دسته‌بندی دانش پزشکی در گونه‌های ذیل جای داد:

- بیماری پوستی: برص، گلی؛
- بیماری میکروبی: آبله، خوره، جذام؛
- بیماری غدد: استسقا؛
- گوارش: زحیر، شکم‌درد، مبطون، یبوست، قی کردن؛
- عفونی: حرقت بول؛
- کبدی: یرقان؛
- ریوی: تنگی نفس؛
- اعصاب و روان: سودایی، صرع و غش؛
- بیماری دندان؛
- بیماری چشم: سبل؛
- عضلانی: قولنج.

با توجه به وسعت و گوناگونی این بیماری‌ها، که برخی داخلی و برخی خارجی‌اند، می‌توان به دامنه دانش پزشکی عطار پی برد. چنان‌که عنوان شد، شاعر فقط به ذکر نام بیماری به‌عنوان یک واژه اکتفا نکرده و در برخی موارد وارد جزئیات بیماری هم شده است؛ برای مثال، بیماری «استسقا» (احساس تشنگی دائمی) انواع گوناگونی دارد: زقی، طبلی، و لحمی که ظاهراً نوع زقی آن از همه خطرناک‌تر است:

شکم بیمار مانند خیکی پر از آب می‌شود و جنبش آب از آن شنیده می‌شود ولی در عین حال او شدیداً احساس تشنگی می‌کند (ابن‌هندو، ۱۳۸۷: ۴۹).

عطار ضمن آوردن واژه استسقا، به استسقای زقی که از انواع این نوع بیماری است، نیز اشاره دارد:

آب‌خوردن زهر مستقسی بود خاصه که استسقای او زقی بود

(۱۳۸۶ ج: ۲۸۰)

از دیگر موارد جالب شیوه درمانی در عهد عطار، درمان درد «یبوست» است. یبوست، که «در اثر تأخیر حرکت غذا در دستگاه گوارش به وجود می‌آید» (مولوی و گیتی‌نمر، ۱۳۶۷: ۵۱۷)، سیستم دفع بیمار را مختل و دشوار می‌کند. ظاهراً در روزگار عطار، برای درمان این بیماری از مسهلی به نام «دنبه» استفاده می‌کردند. شاید این عنصر درمانی را به دو گونه به کار می‌بردند: یکی به صورت خوراکی که باعث می‌شد شکم نرم و روده فعال شود و دیگری استفاده از آن جهت چرب کردن مخرج‌گاه برای فروکاستن درد ناشی از دفع سخت.

ناگهی بهلول را خشکی بخاست رفت پیش شاه و از وی دنبه خواست

(عطار نیشابوری، ۱۳۸۶ ج: ۲۱۱)

چنان‌که عنوان شد، این واژه‌ها در آثار عطار گاه کارکرد پزشکی دارند و در مفهوم اصطلاحی خود به کار رفته‌اند؛ از جمله در نمونه‌های ذیل که به ترتیب به سه بیماری عفونی، پوستی و میکروبی اشاره مستقیم دارد:

... او از بس قیام کرده و دریافت درد کشیده، بر جای خود نماند و حرقت بول آورد، چنان‌که در ساعتی، چند بار حاجت آمدی (۱۳۸۸: ۲۳۹).

جمعی چنین نقل کنند که در دست او «گلی» افتاد. طبیبان گفتند دستش باید برید (همان: ۴۰۰).

عصای او به زانو آن‌که بشکست خوره در زانویش افتاد پیوست

(همان، ۱۳۸۷: ۱۲۶)

و در پاره‌ای موارد، با کاربرد نام بیماری، به دنبال معنی جدید است و آن اصطلاح را در مقام کنایه، استعاره، یا یکی از پایه‌های تشبیه و ... به کار می‌گیرد:

چون ندیدم هیچ گرد از قافله روی من از اشک شد پرآبله

(همان: ۲۵۶)

سیرم ز روز و شب که در این حبس پر بلا روزی به صد زحیر همی با شب آورم

(همان، ۱۳۷۴: ۷۹۸)

چیست دنیا، آشیان حرص و آز مانده از فرعون و ز نمرود باز
گاه قارون کرده قسی، بگذاشته گاه شدادش به شدت داشته

(همان، ۱۳۸۷: ۱۶۶)

دهد یرقان اسود ماه و خور را چو تنگی نفس صبح و سحر را

(همان: ۴۳۱)

از آن‌چه عنوان شد، می‌توان نتیجه گرفت:

اولاً تفکیک و عنوان‌گذاری بیماری‌ها، از گذشته‌های دور رواج داشته و برخی از بیماری‌ها را براساس موضع درد نام‌گذاری کرده‌اند، مثل مبطون به معنی شکم‌درد که از بطن به معنی شکم گرفته شده است.

ثانیاً عطار نیشابوری پزشک جامع‌الشرایط روزگار خود بوده که از انواع و اقسام بیماری‌ها آگاهی داشته است.

۵. واژگان بیمارستانی - پزشکی

هر علم و دانشی، واژگان اختصاصی خود را دارد. دانش پزشکی هم با آن ریشه و پیشینه کهن خود از این ویژگی بی‌بهره نیست. واژه‌هایی چون بیمار، بیماری، مرض، درد، طب، طبیب، طبابت، مطب، بیماردار، بیمارستان، جراح، خصی‌کردن، دارو، رگ، صفرا، قاروره، قرع و انبیب از جمله واژگانی است که در آثار عطار به کار رفته است و می‌تواند دلالتی بر حرفه شاعر یا علاقه‌مندی او به این حرفه باشد.

واژه‌های «بیمار» و «بیماردار» در ابیات ذیل در معنای اصطلاحی خود به کار گرفته شده است:

عاقبت در مدرسه بیمار شد بندبندش کلبه تیمار شد

(همان، ۱۳۸۶ ج: ۲۵۹)

به بالین ایاز آمد نهان او نهاد انگشت بر لب آن زمان او
بدان بیمارداران گفت زنهار مگردانید از شاهش خبردار

(همان، ۱۳۸۷: ۳۶۴)

عطار گاهی این واژه‌ها را برای ایجاد تناسب در اشعار خود به کار می‌برد و می‌کوشد با به‌کارگیری شبکه تناسب‌ها، مطلب موردنظر خود را برجسته‌تر بیان کند:

یدالله بهمنی مطلق و محمدرضا تونی ۴۳

بیمارستان چشم بیمار ترا در زلف چو زنجیر تو بس دیوانه است
(همان، ۱۳۸۶: ب: ۲۶۷)

ترا گر بوعیبده هست جراح دلت را بر جراحت نیست اصلاح
(همان، ۱۳۸۷: ۳۶۹)

خصی کردن: به معنی اخته کردن و از نرینگی انداختن، از جمله اصطلاحات دانش پزشکی است که عطار آن را دقیقاً در معنی اصطلاحی آن به کار برده است. این واژه اکنون جزء واژگان متروک یا کم کاربرد است و واژه «اخته» را به جای آن به کار می‌برند. البته این واژه در خراسان برای حیوانات هنوز جزء واژه‌های فعال محسوب می‌شود.

چو شاه او را بدین کشتن وصی کرد برفت آن موید و خود را خصی کرد
(همان: ۳۶۲)

از دیگر کاربردهای اصطلاحی پزشکی در آثار عطار، «**داروی بی هوشی**» است که با توجه به روزگار عطار، به کارگیری این دارو می‌تواند دلیلی بر پیشرفت دانش پزشکی در ایران در روزگاران گذشته باشد.

حکیمش امتحانی کرد در حال که بشناسد که تا هست او کر و لال
مگر داروی بی هوشی بدو داد چو کودک خورد حالی تن فرو داد
(همان: ۱۶۶)

در بیت ذیل هم اثر داروی بی هوشی بر بیمار کاملاً مشهود است، ضمن این‌که به ریختن داروی بی هوشی در «می»، که شیوه‌ای خاص از بی‌هوش‌سازی بیمار است، اشاره شده است.

داروی بی هوشی‌اش در می فکند لاجرم بی خویشی‌اش در وی فکند
(همان، ۱۳۷۳: ۱۱۴)

کاربرد «می» برای بی‌هوشی بیمار سابقه‌ای طولانی دارد؛ برای مثال، در *شاهنامه* سیمرغ «می» را برای بی‌هوش کردن رودابه و بیرون آوردن رستم توصیه می‌کند:

بیاور یکی خنجر آبگون یکی مرد بینادل و پرفسون
نخستین به می ماه را مست کن ز دل بیم و اندیشه را پست کن
تو بنگر که بینادل افسون کند ز صندوق تا شیر بیرون کند

بکافد تهی‌گاه سرو سهی نباشد مر او را ز درد آگهی ...

(فردوسی، ۱۳۸۸: ۱۷۶)

عطار نیشابوری اشاره‌ای هم به ابزارهای پزشکی روزگار خود دارد و از ذکر نام آن‌ها نیز غافل نمانده است؛ چنان‌که «قاروره» و «قرع و انبیق» از جمله آنهاست. قاروره ظرفی شیشه‌ای است که نمونه‌ا درار بیمار را در آن می‌ریختند تا با آزمایش‌های رایج روزگار نوع بیماری را مشخص کنند.

طیب چون قاروره او بدید، گفت: این مردی است که از خوف خدای، بول او خون شده است (عطار نیشابوری، ۱۳۸۸: ۱۸۰).

۶. گیاهان دارویی و داروهای گیاهی

از آن‌جا که به اقتضای حکمت الهی، هیچ موجودی بی‌خاصیت خلق نشده است، بی‌شک همه گیاهانی که در چشم‌انداز بشر در طول و عرض جغرافیایی جهان رویده‌اند، خواصی اعجاب‌انگیز اعم از سلبی و ایجابی دارند. خاصیت بسیاری از این گیاهان کشف شده است و از دیربگام تا کنون مورد استفاده بشر واقع شده‌اند، اما گیاهان بی‌شماری هستند که خواص درمانی دارند ولی هنوز دانش بشری به کشف و شناخت خواص آن‌ها نایل نشده است.

گیاهان درمانی بسیارند و در هر نقطه به نامی خاص معروف و مشهورند. در ایران، از گذشته‌های بسیار دور، تعدادی از این گیاهان را شناسایی و در درمان‌گری استفاده کرده‌اند. دانش قدیم گیاهان دارویی در ایران به‌دست دانشمندانی مانند بوعلی سینا متحول شد و به اوج شکوفایی خود رسید.

در ایران باستان نیز استفاده از گیاهان به‌عنوان دارو، ضد عفونی‌کننده و معطرکننده، مرسوم بوده است و گیاهانی مانند «هوم»، «اسفند»، «آویشن» از زمان اشوزرتشت، پیامبر باستانی، به‌خوبی شناخته شده بودند (کیانمهر، ۱۳۸۸: ۱).

بزرگ‌ترین منبع درمانی در طب سنتی ایران و جهان، منبع گیاهی بوده است؛ به این معنی که انسان‌ها با شناخت ویژگی‌های گیاهان اطراف خود و پی‌بردن به خواص آن‌ها، از گیاهان برای درمان بسیاری از بیماری‌ها استفاده می‌کردند و با این اعتقاد که گیاهان دارویی، منشأ طبیعی دارند و با طبیعت انسان سازگارند، از مصرف انواع گیاهان برای پیش‌گیری یا درمان بیماری‌ها دریغ نمی‌کردند.

سابقه استفاده از گیاه و اندیشه گیاه‌درمانی به قدمت حضور انسان در کره زمین است؛ زیرا انسان راهی برای پیش‌گیری یا درمان و سرکوب بیماری‌ها، جز منابع ارزش‌مند گیاهی نداشته است، چنان‌که بخش عمده قانون ابن‌سینا، که مجموعه‌ای از برنامه آموزش پزشکی است، به کاربرد گیاهان در درمان بیماری‌ها و خواص درمانی آن‌ها اختصاص دارد.

گیاه‌درمانی در کشور ما، به دلایل ذیل، از گذشته‌های دور رایج بوده است:
— تنوع گونه‌های گیاهی؛

— چهارفصل بودن شرایط اقلیمی و آب و هوایی و به تبع آن، در دسترس بودن اکثر این گیاهان در طول سال؛

— وجود پزشکی نامی از جمله زکریای رازی، بوعلی‌سینا و عطار که این شیوه درمان را به کار می‌برده و توصیه می‌کرده‌اند.

یکی از کلیدواژه‌های آثار مسلم عطار از نظر لفظ و موضوع، گیاهان دارویی و داروهای گیاهی است که روش استفاده از هر یک از آن‌ها متفاوت بوده است. خواص دارویی به نوع گیاه و امکان بهره‌گیری از قسمت‌های متفاوت آن بستگی داشت؛ به بیان دیگر، با توجه به نوع گیاه، از قسمت‌های متفاوت گیاهان (ریشه، دانه، شیر، مغز، پوست، برگ، شاخه، ...) استفاده دارویی می‌شده است، مثلاً «ترنجبین» از شیرابه‌های درخت «خارشتر» استخراج می‌شد، از دانه‌های جو به عنوان مسهل، رفع «قولنج» و تأمین ویتامین‌های گروه «ب» استفاده می‌شد، یا شیوه بهره‌گیری از خاصیت درمانی «کنجد»، خوردن دانه‌های آن یا مصرف روغن این گیاه است در حالی که روش استفاده از خاصیت درمانی «اسپند»، سوزاندن آن است؛ زیرا خاصیت درمانی این گیاه در صورت سوختن بروز می‌کند. آنچه در این پژوهش حاصل شد، وجود انواع و اسامی فراوان گیاهانی است که احتمالاً خواص دارویی داشته و از روزگاران کهن به کار می‌رفته و در روزگار عطار هم کم‌وبیش از منابع درمانی به حساب می‌آمده‌اند.

بهره‌گیری عطار از اسامی گیاهان را می‌توان عموماً به دو دلیل دانست:

الف) ذکر نام گیاه به عنوان عنصر درمانی (جنبه طبّی و پزشکی)،

ب) کاربرد واژه با بهره‌گیری از جنبه‌های ادبی مانند تشبیه، کنایه، استعاره، تلمیح.

۷. نمونه‌ای برای جنبه طبّی و پزشکی

گر تو را نوری ز نفس آمد پدید زخم کژدم از کرفس آمد پدید

(عطار نیشابوری، ۱۳۷۳: ۱۶۲)

در این بیت، شاعر به صورت کنایه‌ای با تشخیص پزشکی، به ضرر و زیان «کرفس» برای شخصی که «عقرب» او را نیش زده است، اشاره می‌کند؛ یعنی، عقرب‌گزیده اجازه خوردن کرفس را ندارد و استفاده از آن نه تنها درمان‌بخش نیست بلکه بر میزان زخم و اثر نیش عقرب می‌افزاید.

۸. نمونه‌ای برای جنبه‌های درمانی

ناگهی بهلول را خشکی بخواست رفت پیش شاه و از وی دنبه خواست
گفت شلغم پاره باید کرد خرد پاره کرد آن خادمیش و پیش برد

(همان، ۱۳۸۶ ج: ۲۱۱)

شلغم علاوه بر فواید دیگر گیاهی، مدر و مسهل است و در رفع یبوست نیز مفید است (زرگری، ۱۳۶۸: ۲۳۸).

۹. کاربرد واژه‌های پزشکی جهت اغراض ادبی و بلاغی

۱.۹ کاربرد واژه «آبی» به عنوان میوه اما در این جا به عنوان مشبّه‌به:

روزکی چندی چو سیرابی کنم بعد از آن رخساره چون «آبی» کنم

(عطار نیشابوری، ۱۳۸۶ ج: ۳۰۶)

۲.۹ کاربرد واژه «ارزن» و بهره‌گیری از مفهوم کنایی آن به معنی ریز و کوچک

اگر این کشت‌ورزی را نورزی در آن خرمن به نیم «ارزن» نیززی

(همان، ۱۳۸۶ الف: ۱۴۴)

۳.۹ کاربرد لفظ «ارغوان» و اراده مفهوم استعاری

به زاری و نزاری ناله می‌کرد ز نرگس «ارغوان» پرژاله می‌کرد

(همان، ۱۳۸۷: ۱۳۳)

۴.۹ کاربرد واژه «انگور» با ویژگی تلمیحی، اشاره به حدیثی از پیامبر اسلام (ص)

«إني رأيت الجنة فتناولت منها عنقوداً» (همان، ۱۳۸۶ ج: ۳۲۱)

یدالله بهمنی مطلق و محمدرضا تونی ۴۷

خواجه کونین منت از تو یافت در نماز «انگور» جنت از تو یافت

(همان: ۳)

۵.۹ کاربرد گیاه دارویی «ژاز» در مفهوم کنایی

ز غفلت خود بنالیدم همه عمر چه گویم؟ «ژاز» خاییدم همه عمر

(همان، ۱۳۸۶ الف: ۲۳۳)

۶.۹ کاربرد واژه «عود» در مفهوم ادبی و دارویی

زاهد افسرده چوب سنجد است خوش بسوز ای عاشق اکنون «عود» خویش

(همان، ۱۳۷۴: ۳۶۴)

یکی از بخش‌هایی که درون‌مایه‌های پزشکی بیش‌تر از آن استنباط می‌شود، بخش داروهای گیاهی و غیرگیاهی است؛ داروهایی که عطار در داروخانه خود با آن‌ها سروکار داشته و در ترکیب و ساخت انواع داروها از آن‌ها بهره می‌گرفته و با تشخیص نوع بیماری، هر یک از داروها را برای بیماری خاصی تجویز می‌کرده است. بنابراین، به‌هنگام سرودن اشعار در داروخانه یا خارج از آن، این واژه‌ها را در آثار خود به کار می‌برده است. در بخش داروهای گیاهی و غیرگیاهی، وجود واژه‌هایی چون «تریاک»، «مفرح»، «بریشم»، «گلشکر»، «ذریره»، «سرمه»، «کحل»، «گلاب»، «مرهم»، «معجون»، «سکبا» که به‌طور مستقیم با مفاهیم طبی و درمانی به‌کار رفته‌اند، مؤید مطالب گفته‌شده است.

تا بریشم در وجود خود نسوخت در مفرح کی تواند دل فروخت

(همان، ۱۳۷۳: ۱۸۷)

خاصیت فرح‌بخشی «بریشم» در بیت فوق به‌طور مستقیم قابل دریافت است.

گرچه عطارم من و تریاک‌ده سوخته دارم جگر چون ناک‌ده

(همان: ۲۵۲)

در بیت فوق، دقیقاً به حرفه عطاری شاعر اشاره شده است و تریاک می‌تواند مجاز از بسیاری از داروهای دیگر باشد.

گلاب آورد پس بر روی او ریخت ذریره بر شکنج موی او بیخت

(همان، ۱۳۸۷: ۳۴۵)

در بیت مذکور، وجود دو عنصر عطری مثل گلاب و ذریره می‌تواند زمینه‌رایحه‌درمانی در آثار عطار را تأیید کند.

از مفرح‌ها دل بیمار را از لب تو گلشکر نیکوتر است

(همان، ۱۳۷۴: ۴۵)

در بیت فوق، واژه «گلشکر» به صورت ادبی - دارویی و با هنرمندی و ظرافت ادبی بیان شده است.

با توجه به مطالبی که عنوان شد، می‌توان دریافت که اولاً دانش پزشکی در ایران، در اعماق تاریخ ریشه دارد، ثانیاً بسیاری از اعمال پزشکی که در حال حاضر جهت مداوای بیماران به کار می‌رود، در گذشته‌های دور رواج و رونق داشته است و امروزه در نتیجه پیشرفت دانش و ابزار و ادوات پزشکی به شکل مدرن‌تری انجام می‌شود.

۱۰. نتیجه‌گیری

یکی از اشتغالات عطار، چنان‌که از شهرت و آثار گوناگونش برمی‌آید، عطاری بود. با استناد به آثار عطار و فعالیت‌های وی، به نظر می‌رسد عطاری در روزگاران گذشته معادل داروسازی، طبابت و داروفروشی بوده است. عطار گیاهان دارویی را می‌شناخت، روش چیدن آن‌ها را می‌دانست، و از خواص هر یک از گیاهان براساس آنچه امروزه در کتاب‌ها درباره خواص گیاهان آمده است، آگاهی کامل داشت. او با معاینه بیماران، شناخت طبایع آنان و ویژگی درمانی گیاهان یا ترکیبات آن‌ها، بیماران را درمان می‌کرد.

عطار از جمله شاعرانی است که از دانش پزشکی روزگار خویش بهره‌وفی داشته و به‌عنوان شغل از آن ارتزاق می‌کرده است. بنابراین، دور از انتظار نیست اگر در مثنوی‌ها و دیوانش با بسامد بالا و کثرت واژگان پزشکی و دارویی و گزاره‌های پزشکی روبه‌رو شویم. مفردات گیاهی، گیاهان دارویی و نیز گزاره‌های پزشکی، در دو اثر مصیبت‌نامه و الهی‌نامه، که عطار آن‌ها را در داروخانه سروده است، از دیگر آثارش بیش‌تر یافت می‌شود.

مطالعه آثار مسلم عطار و استخراج انواع واژگان پزشکی و دارویی و خواصی که برای آن‌ها در این آثار آمده است، نشان می‌دهد که این مطالب از نظر علمی با مطالبی که در کتب علمی پزشکی به‌منزله گیاهان دارویی شناخته شده‌اند و خواص درمانی ذکر شده برای آن‌ها، کاملاً منطبق است. از این رو می‌توان عطار نیشابوری را از پیشگامان نهضت گیاه‌درمانی

در میان شاعران و طبیبان ایرانی به‌شمار آورد؛ هرچند که متأسفانه در فهرست طبیبان سنتی ایران و نیز پزشکان پیش‌قراول ایرانی، نام عطار هم‌سنگ شأن و زحماتش نیامده است. عطار علاوه بر استعمال این اصطلاحات در جایگاه علمی خود، از بسیاری از این واژگان و تعابیر، کارکردهای زیباشناسی ادبی (تشبیه، استعاره، مجاز، و ...) را هم به‌نمایش گذاشته و بر تازگی و طراوت تعابیر شاعرانه خود افزوده است.

منابع

- ابن‌هندو (۱۳۸۷). *مفتاح الطب*، با مقدمه مهدی محقق، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، دانشگاه مکه‌گیل.
- انصاری، شهره (۱۳۸۱). *تاریخ عطر در ایران*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خسروی، مهدی (۱۳۸۹). *گیاهان دارویی و نحوه کاربرد آن‌ها*، تهران: محمد.
- زرگری، علی (۱۳۶۸). *گیاهان دارویی*، تهران: دانشگاه تهران.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۲). *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۲، تهران: فردوسی.
- عطار نیشابوری، محمد (۱۳۳۹). *خسرونامه*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: زوآر.
- عطار نیشابوری، محمد (۱۳۵۵). *تذکره الاولیا*، تصحیح محمد استعلامی، تهران: زوآر.
- عطار نیشابوری، محمد (۱۳۷۳). *مصیبت‌نامه*، تصحیح نورانی وصال، تهران: زوآر.
- عطار نیشابوری، محمد (۱۳۷۴). *دیوان عطار*، تصحیح تقی تفضلی، تهران: علمی و فرهنگی.
- عطار نیشابوری، محمد (۱۳۷۵). *دیوان عطار*، تصحیح اسماعیل شاهرودی، تهران: فخر رازی.
- عطار نیشابوری، محمد (۱۳۸۶ الف). *اسرارنامه*، تصحیح شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- عطار نیشابوری، محمد (۱۳۸۶ ب). *مختارنامه*، تصحیح شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- عطار نیشابوری، محمد (۱۳۸۶ ج). *مصیبت‌نامه*، تصحیح شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- عطار نیشابوری، محمد (۱۳۸۷). *الهی‌نامه*، تصحیح شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- عطار نیشابوری، محمد (۱۳۸۸). *تذکره‌الاولیا*، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: میلاد.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *شاهنامه*، تصحیح ژول مول، تهران: علمی و فرهنگی.
- قاسمی برومند، محمد و علی علوی‌نیا ابرقوی (۱۳۸۷). *مبانی طب سنتی و عصر اسلامی*، تهران: طبیب.
- کیانمهر، هرمز دیار (۱۳۸۸). *شناخت گیاهان دارویی*، تهران: آبیژ.
- مولوی، محمدعلی و گیتی ثمر (۱۳۶۷). *بهداشت همگانی*، تهران: چهر.
- هدایت، صادق (۱۳۸۴). *در فواید گیاه‌خواری*، تهران: نگاه.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی